

مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، سال چهل و سوم، شماره پیاپی ۸۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۲۵-۹

دارالفنون رضوی

ایده‌ای برای مقابله با فعالیت‌های هیئت تشریری پرس بی‌تریان در مشهد*

دکتر مجتبی خلیفه / استادیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند^۱
علی نجف زاده / عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه بیرجند^۲

چکیده

مسیونرهای آمریکایی از اواخر دوره قاجار در مشهد به فعالیت پرداختند و هیئت تشریری پرس بی‌تریان^۳ در مشهد ابتدا مریضخانه‌ای ایجاد و از سال ۱۳۰۱ ش/۱۳۴۲ ق/۱۹۲۳ م با خرید زمینی وسیع در محله پاچنار طرح بزرگی را برای ساخت مدرسه و کلیسا پی ریزی کرد. این اقدام مسیونرهای آمریکایی واکنش‌های مختلفی از سوی علما، تجار و سایر مردم داشت که خواستار توقف فعالیت آنان شدند.

یکی از واکنش‌ها از سوی دکتر امیر اعلم رئیس حفظ‌الصحة خراسان بود که برای مقابله با تبلیغات مذهبی و فرهنگی مسیونرهای آمریکایی پیشنهاد تأسیس دارالفنون رضوی را مطرح کرد. وی در این زمینه مکاتباتی با روحانیون، نمایندگان مجلس، رئیس‌الوزراء و نیابت تولیت آستان قدس داشت و توانست همکاری آنان را جلب کند. در این مقاله تلاش می‌شود علل و زمینه شکل‌گیری ایده دارالفنون رضوی، افکار و اندیشه‌های دکتر امیر اعلم درباره آن، ابعاد، ویژگی‌ها و اثرات این دارالفنون و سرانجام، علل ناکامی این ایده مورد بررسی قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: دارالفنون رضوی، پرس بی‌تریان، مشهد، امیر اعلم

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۱۰/۲۷؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۰/۱۲/۲۱.
۱. نویسنده مسئول Email: khalife_m@yahoo.com

2.Email: najafsast@yahoo.com

3.Presbyterian.

مقدمه

تأسیس مدارس نوین به عنوان یکی از مهم‌ترین راه‌های آشنایی ایرانیان با تمدن جدید در دوره قاجار مورد توجه دست‌اندرکاران و بزرگان آن دوره قرار گرفت. بر این اساس مدارس چون مدرسه تربیت تبریز، مدرسه سعادت بوشهر، مدرسه دارالفنون تهران و مدرسه شوکتیه بیرجند تأسیس شدند. در کنار این مدارس، هیئت‌های مذهبی اروپایی نیز در شهرهایی چون تهران و ارومیه مدارس برقرار کردند. حضور کودکان و نوجوانان ایرانی و مسلمان در این مدارس اغلب موضوع چالش برانگیزی بود و موجب تحریک افکار عمومی می‌شد. از جمله گروه‌های مذهبی اروپایی که در اواخر دوره قاجار مدارس در ایران بر پا کردند، مسیون مذهبی پرس بی‌تریان^۱ بود. آن‌ها در اواخر دوره قاجار در مشهد فعالیت‌های خود را در قالب تأسیس بیمارستان، مدرسه و امور خیریه شروع کردند. دکتر امیر اعلم رئیس حفظ‌الصحة خراسان با ارائه راهکاری عملی در پی مقابله با آن‌ها برآمد: ایده تأسیس دارالفنون رضوی. این نوشتار به بررسی دلایل مطرح شدن ایده تأسیس مدرسه دارالفنون رضوی و پیامدهای آن می‌پردازد.

فعالیت هیئت تبشیری پرس بی‌تریان در مشهد

آمریکایی‌ها حضور خود در مشهد را با فعالیت مبلغان دینی آغاز کردند. ولف^۲ از نخستین آمریکایی‌هایی بود که به خراسان سفر کرد. وی طی سفر خود به ترکستان و بخارا از مشهد عبور کرد. (برومند، ۷۴) مبلغان آمریکایی در سال ۱۹۱۱ م/ ۱۳۲۹ ق موفق شدند در مشهد مستقر شوند (الدر، ۷۱) و تبلیغ دینی خود را با توجه به شرایط بهداشتی و عدم حساسیت جامعه مشهد در ارائه خدمات پزشکی از این راه آغاز کنند. بی شک موفقیت آن‌ها در مشهد به

۱- کلیسای پرس بی‌تریان (Presbyterian Church)، به شاخه‌ای از کلیساهای مسیحی اطلاق می‌شود که معتقد به سنت‌های الهیاتی کاولوینیستی پروتستانی هستند. مذهبی که پس از اصلاحات مذهبی اروپا ابتدا در اسکاتلند شکل گرفت. بیشتر طرفداران این مذهب از طبقات متوسط بودند. پرس بی‌تریان‌ها مذهب خود را مبتنی بر کلام خداوند و سرمشق بهترین کلیساهای اصلاح شده می‌دانستند. آن‌ها بر کلام خداوند و نص کتاب مقدس تأکید داشتند. پس از مهاجرت تعدادی از آن‌ها به آمریکا در آن جا نیز پیروان زیادی یافتند (رک: پالمر، ۲۶۶/۱، ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۸۶).

^۲-Wolf

ارائه خدمات پزشکی از سوی آن‌ها ارتباط داشت. بنجامین نخستین سفیر آمریکا در ایران یکی از دلایل عمده پیشرفت مسیون‌های آمریکایی در ایران را طبابت مسیونرها دانسته و نوشته «اگر طبیب کشیش و قابل باشد به قدری نفوذ خواهد کرد که حد ندارد» (عظیم زاده، ۲۱۸).

مسیون‌های آمریکایی مشهد در ۱۹۱۵ م/۱۳۳۳ ق در کوچه ارگ مشهد مریضخانه‌ای تاسیس کردند (مدرس رضوی و دیگران، ۱۶۵) و مهم‌ترین فعالیت آن‌ها در این شهر نیز تاسیس درمانگاه و بیمارستان بود که تأثیر بسیار گسترده‌ای بر جای گذاشت. طبق گزارش سال ۱۹۱۶ م/۱۳۳۵ ق دکتر كوك^۱ و همسرش به طور موقت برای انجام خدمات پزشکی مسیون اعزام شدند. آن‌ها سال بعد مشهد را ترك کردند و جای خود را به دکتر هوفمن^۲ دادند که مدت طولانی در مشهد زندگی کرد (الدر، ۷۵).

با شروع جنگ جهانی اول مشهد نیز دچار شرایط اقتصادی و بهداشتی سختی شد و درمانگاه آمریکایی مشهد علاوه بر درمان بیماران، وظایف دیگری چون تهیه خوراک برای مردم قحطی زده و گرسنه را نیز بر عهده گرفت. دیگ‌های بزرگی در محوطه درمانگاه کار گذاشته شد که هر روز به نیازمندان سوپ و نان می‌داد. پس از چندی چون محوطه درمانگاه گنجایش جمعیت را نداشت، مسیون با کمک کنسولگری انگلیس کاروانسرای را اجاره کرد که در آن غذا در اختیار مردم قرار می‌دادند (الدر، ۷۵). قحطی خراسان بر محبوبیت مسیون آمریکایی افزود و همکاری انگلیسی‌ها در این زمینه یکی از علل موفقیت آن‌ها بود.

پدر روحانی ال اف. اسلتین^۳ از اولین و مهم‌ترین مسیون‌های فعال در مشهد بود که در ۲۱ دسامبر ۱۹۱۸ م/۱۳۳۶ ق در نوشته‌های خود به قحطی در حال گسترش در مشهد اشاره کرد. وی در ماه ژانویه نوشت مردم فقیر در اینجا به شدت از نظر غذا در رنجند و ما اندکی از آن‌ها را هر روز ظهر با پولی که برای این کار از سوی دوستان داده شده اطعام می‌کنیم (مجد، ۱۹۹). مسیونرها به تدریج بر فعالیت پزشکی خود افزودند، به گونه‌ای که در ۳ دی ۱۳۴۲ ق آقا و خانم دونالدسن^۴ از اعضای میسیون مذهبی آمریکا به همراه پرستاری به نام دوشیزه فلورانس

^۱-Cook

^۲-Hoffman

^۳-L.F. Slatin

^۴- Donaldson

نلسون^۱ از تهران وارد مشهد شدند (میرزا صالح، ۴۵۰) و فعالیت پزشکی خود را توسعه دادند.

مخالفت روحانیون با فعالیت پرس بی‌تریان

ابزارهای تبلیغی مسیونرهای آمریکایی تنها پزشکی نبود. دایر کردن مدرسه یکی دیگر از ابزارهای موفق آنان بود که از زمان ورود جوستن پرکینز^۲ و در سال ۱۲۱۵ ش/ ۱۲۵۳ ق/ ۱۸۳۶ م شروع و تا سال ۱۲۷۴ ش/ ۱۸۹۵ م تعداد مدارس آنها در ایران به ۱۱۷ مدرسه با ۲۴۱۰ شاگرد رسید (طاهر احمدی، ۲۲). آنها در زمینه دایر کردن مدرسه در تهران و شهرهایی نظیر ارومیه به موفقیت‌هایی رسیدند و قصد داشتند در مشهد نیز این برنامه را اجرا کنند. مسیونرهای آمریکایی درصدد برآمدند برنامه‌های وسیع خود را در مشهد به طور تدریجی اجرا کنند. نماینده پرس بی‌تریان مسیون امریکایی از اواخر ۱۳۰۱ ش/ ۱۹۲۳ م به توسعه زیرساخت‌ها پرداخت و زمینی به وسعت تقریبی ۵۲۴۰۰ ذرع به قیمت ۲۴ هزار تومان در غرب محله پاچنار مشهد خریداری و برنامه چهارساله خود را چنین اعلام کرد: در ۱۳۰۲ ش ساخت دو منزل، ۱۳۰۳ ش: ساخت مریضخانه‌ای همانند مریضخانه‌های آمریکا، ۱۳۰۴ ش: ساخت یک باب مدرسه عالی، ۱۳۰۵ ش: چهار منزل برای مدیران و معلمان مدرسه (فکر آزاد، سال اول، شماره ۵۳، ۳).

این برنامه هیئت تیشیری واکنش گروه‌های مختلف را در مشهد برانگیخت. البته مسیونرهای آمریکایی در گذشته نیز چنین تجربیاتی را پشت سر گذاشته بودند؛ وقتی در ۱۲۹۲ ش/ ۱۹۱۳ م در تهران برای دبیرستان البرز صد و پنجاه هزار ذرع از زمین‌های یوسف آباد را خریدند با شرکا و وارثان ملک دچار اختلاف شدند ولی مدعیان به تدریج عقب نشینی کردند (طاهر احمدی، ۲۳). در مشهد نیز چنین مشکلی بر سر مالکیت زمین پیش آمد، ولی واکنش‌ها بیشتر به ماهیت فعالیت آنها و به خاطر موقعیت مذهبی شهر مشهد بود. روزنامه فکر آزاد در تشریح علل مخالفت نوشت؛ خیال دارند مدرسه‌ای در مرکز تبلیغی در شهر مقدس مشهد

^۱-Florence Nelsen

^۲-Justin Perkins

تأسیس کنند. چهار روحانی بزرگ شیعه محمد نجفی، طباطبائی قمی، صدرالدین موسوی و مرتضی غروی نیز تلگرافی در این زمینه برای رئیس‌الوزراء فرستادند (فکر آزاد، سال اول، شماره ۵۸، ۲). هیئت علمیه و ده نفر از علمای مشهد، تجار و کسبه آن شهر (بهبودی، ۳/ ۷۹، ۱۳۷، ۱۶)، سادات حسینی (مرکز اسناد مجلس، ش ۰۴۰۳۴۱۷۰۳۲۶۱۰۰۰۱)، آیت الله حاج نورالله اصفهانی (میرزا صالح، ۴۹۴) و حتی یکی از علمای غیر محلی مخالفت خود را با فعالیت هیئت پرس بی‌تریان در مشهد اعلام کردند.

در پی اعتراضات مستمر روحانیون مشهد به خرید زمین و ساخت تأسیسات مذهبی، دولت و وزارت امور خارجه نیز وارد مذاکره با سفارت آمریکا شدند که در وهله اول منجر به توقف ساخت کلیسا شد و بنای مدرسه نیز موقوف به اجازه وزارت معارف گردید (بهبودی، ۳/ ۲۹).

نگرانی مسلمانان از مدرسه‌سازی آمریکایی‌ها به خاطر جنبه دینی و ساخت کلیسا بود^۱ و تلاش‌ها و مذاکرات تهران به نتایج مثبتی رسید. محمد موسوی بهبهانی در تلگراف به مشهد نوشت در نتیجه اقدامات بنای کلیسا به کلی متوقف شده است (فکر آزاد، سال اول، شماره ۴۶، ۳). روزنامه مهرمنیر نیز فلسفه وجودی آمریکایی‌ها در شهر مشهد را اشتباه دانسته و معتقد بود کشیشان آمریکایی زمین وقفی را خریده‌اند. همچنین نسبت به ساخت دواخانه آمریکایی‌ها نیز تردید داشت و بر این باور بود که اگر واقعاً دواخانه است پس دکتر لازم است نه کشیش و پرسیده بود کشیش‌ها در دواخانه چه کار دارند؟ (مهرمنیر، شماره ۲۲، ۸). مخالفت علما و مطبوعات باعث توقف بخشی از فعالیت هیئت تبشیری شد، ولی زمینه حضور آنان را از بین نبرد؛ به همین جهت فکر مقابله بنیادی و محتوایی با آن از سوی یک پزشک به نام امیراعلم صورت گرفت.

۱- کنسولگری انگلیس در گزارش خود ضمن نقل این مطلب از روزنامه فکر آزاد، آورده است که مسیون آمریکایی هرگز قصد نداشته که در مشهد کلیسایی بسازد. (میرزا صالح، ۴۷۶) ولی شواهد موجود و کلیسای انجیلی نشان می‌دهد در فرصت لازم دست به چنین اقدامی زدند و کلیسای انجیلی مشهد در پشت باغ ملی متعلق به مسیون آمریکایی بود.

خدمات پزشکی دکتر امیر اعلم در مشهد

واکنش در مقابل فعالیت پزشکی و دینی مسیون آمریکایی برخی دیگر از تحصیل‌کردگان فرنگ رفته را نیز به عکس‌العمل واداشت. دکتر امیر اعلم فرزند علی اکبر خان آشوری قزوینی ملقب به معتمد الوزاره^۱ تحصیل کرده در لبنان و فرانسه و رئیس حفظ الصحه کل خراسان، مهم‌ترین راه مقابله با مسیونرهای آمریکایی را تأسیس دارالفنون رضوی دانست. دکتر امیر اعلم در ۱۳۲۸ ق/۱۹۰۹ م با درجه سرتیپی به ریاست بهداری ارتش انتخاب و بهداری ارتش را طبق اصول جدید تأسیس کرد و سپس در ۱۳۳۰ ق/۱۹۱۱ م تشکیلات بهداری ژاندارمری را بر عهده گرفت. وی بیمارستان نظامی احمدیه را در ۱۳۳۲ ق/۱۲۹۳ ش و بیمارستان نسوان را در ۱۳۳۵ ق/۱۲۹۶ ش تأسیس کرد (شریعت تربقان، ۶۲ و ۷۹). دکتر امیر اعلم در ۱۳۳۶ ق به مشهد مسافرت و به بازسازی دارالشفای حضرتی (روستا، ۱۲۳-۱۲۵) که از مهم‌ترین مؤسسات درمانی مشهد بود، پرداخت. بعد از چند ماه تلاش برای بازسازی و فراهم کردن امکانات جدید، جشن باشکوه دارالشفای آستانه در ۲۳ شوال ۱۳۳۶ - در واقع به منظور قدردانی از زحمات چندین ماهه امیر اعلم در تعمیر و بازسازی این مؤسسه درمانی - برگزار شد (بهار، سال دوم، شماره ۱۳، ۳). وی در سخنرانی خود به اصلاحات دارالشفای اشاره کرد و سپس جنبه آموزشی و طبی آن را مورد توجه قرار داد. به ویژه درباره قسمت طبی آن گفت که در آینده خراسان برای شاگردان طب به منزله یک مدرسه علمی خواهد بود و اگر اصلاحاتی صورت گیرد، ممکن است در اندک زمانی مشهد مقدس دارای یک مدرسه طبی کامل بشود که بتواند از ممالک همجوار نیز شاگرد به خود جلب کند. (تشیید، ۹۳). وی برای اصلاح دارالشفای در ۳ ربیع الاول ۱۳۳۷ ق/۱۹۱۸ م به مستأجران موقوفات دارالشفای هشدار داد (بهار، سال دوم، شماره ۲۸، ۱) و کمیسیون اصلاحات دارالشفای را در ۱۷ جمادى‌الآخر ۱۳۳۷ در دارالتولیه

۲- دکتر امیر خان امیر اعلم فرزند علی اکبر خان معتمد الوزاره در سال ۱۲۹۴ ق در تهران متولد شد و برای ادامه تحصیلات وارد دانشکده پزشکی بیروت شد. در سال ۱۳۱۷ ق/۱۹۰۰ م رهسپار فرانسه گردید و در مدرسه طبی لیون شروع به تحصیل کرد. سپس با درجه سروانی وارد دارالمعلمین طبی نظامی پاریس شد و در سال ۱۳۲۳ ق/۱۹۰۶ م به ایران بازگشت و به استادی تشریح در مدرسه طب و عضویت مجلس حفظ الصحه دولتی درآمد (روستا، ۱۲۳-۱۲۵).

تشکیل و املاک موقوفه دارالشفای را از املاک آستانه جدا و برای اجاره به صورت مجزا به مزایده گذاشت (بهار، سال دوم، شماره ۵۱، ۱). امیر اعلم در سخنرانی خود تأسیس دارالفنون را یکی از آرزوهای خود بیان کرده و گفت که من امیدوار بودم علاوه بر اصلاحات اساسی دارالشفاء، دارالفنونی را که در نظر داشتم صورت خارجی داده در ترقیات و افتخارات آتیه خراسان شریک و سهمیم باشم. امیر اعلم دارالفنون را منحصر به خراسان ندانسته و گفته بود من همیشه ایجاد لااقل سه باب دارالفنون را در سه مرکز ایالتی لازم دانسته و می‌دانم: مشهد، اصفهان و تبریز، البته آروزی من این است که در مرکز هر یک از ایالات دارالفنونی تأسیس شود ولی برای شروع، این سه نقطه کافی است.

به باور وی تا زمانی که ایرانیان این سه دارالفنون را بر تأسیسات علمی و فنی خود نپذیرانند، پیشرفتی که آرزومند آن هستند غیر ممکن خواهد بود. امیر اعلم علل ایجاد دارالفنون‌های شهرستان‌ها در مقابل دارالفنون تهران را نیز چنین بیان کرده است: «دارالفنون تهران کفایت نمی‌کند، زیرا منحصر به تعلیمات عالیه است و به ساکنین پایتخت و یا اولاد متمولین اختصاص دارد و جوانان خانواده‌های متوسط الحال یا بی بضاعت ایالات و ولایات نمی‌توانند» راه دور و پر خرج و هزینه‌گزار پایتخت را متحمل شوند و از تحصیلات عالیه بازمانده‌اند. وی «در بدو ورود به آستان قدس منابع ثروت موقوفات و احوال روحی را به طور عمومی مورد مطالعه قرار داد و در کمال مسرت کشف کرد که وسائل تأسیس دارالفنون مشهد مهیا است و با اندک همراهی و کمک عناصر ایران دوست و معارف خواه می‌توان شالوده آن را ریخت. افسوس که بعضی از کوتاه بینان نیت خیرخواهانه وی را در انظار خراسانی‌ها طور دیگر جلوه دادند. در نتیجه تمام قوای خود را برای راه اندازی آن به کار برد. سپس در خراسان موسسه خیریه شیر و خورشید را تشکیل داد. به هر حال در ۲۶ صفر ۱۳۴۲ ق/ ۱۹۲۳ م حاجی قائم مقام التولیه متولی آستان قدس به همراه دکتر امیر اعلم رئیس حفظ‌الصحة دولتی، عده کثیری از رجال اعم از رؤسای ادارات کشوری، لشکری، علما، تجار، کسبه و احزاب را به دارالشفای حضرتی دعوت کردند و در آن گردهمایی موفق به انتخاب رئیس، اعضای عامل و تشریفات موسسه خیریه شیر و خورشید شدند تا فقرا و مساکینی که به دلیل ناداری در موقع

مریضی و بیماری دسترسی به حکیم و دوا نداشتند از این خیریه عمومی استفاده کنند (مهر منیر، سال سوم، شماره ۲۰، ۴).

یکی دیگر از پیش زمینه‌های ایده امیر اعلم، وجود دارالفنون‌ها در شهرها و نواحی دیگر اسلامی بود. علاوه بر دارالفنون تهران در دیگر ممالک اسلامی نیز دارالفنون‌هایی تأسیس شده بود. ع. قویم در فوریه ۱۹۱۴ م/ ۱۳۳۳ ق از لوزان سویس مقاله «آرزومندان ترقی اسلام را بشارت» نوشت که در دو شماره از روزنامه *نوبهار* در تاریخ ۵ و ۹ جمادی‌الاولی ۱۳۳۲ شماره ۲۴ و ۲۵ سال دوم چاپ شد. این مقاله وضعیت مراکز علمی مسلمانان و دارالفنون‌های اسلامی را تشریح می‌کرد.^۱ امیر اعلم که از یک سو مؤسسات بهداشتی مشهد را کافی نمی‌دید و از سوی دیگر از نزدیک شاهد اقدامات و تحرکات هیئت تبشیری پرس بی‌تریان در مشهد بود، راه مقابله با نفوذ آنان را همان ابزارهای آموزشی می‌دانست که در گذشته خیال آن را در سر می‌پروراند.

پیشنهاد تأسیس دارالفنون رضوی

امیر اعلم در واکنش به ساخت بیمارستان و مدرسه توسط مسیونرهای آمریکایی در ۴ جمادی‌الاولی ۱۳۴۲ ق/ ۱۹۲۳ م طی نامه‌ای به تولیت آستانه رضوی پیشنهاد تأسیس دارالفنون رضوی را طرح کرد. در نامه وی آمده است به طوری که می‌دانید دعوات مسیحی آمریکایی چندی است مشغول بنای مدرسه و مریض خانه هستند. اگرچه اقدام آنها منحصر به مشهد نیست، ولی مشهد اهمیت فوق‌العاده دارد و با احوال کنونی معارف و صحه خراسان به سهولت

۱- پس از دارالفنون شهر قاهره، مسلمانان هندوستان به خیال تأسیس دارالفنونی افتادند. سپس عثمانی‌ها تصمیم گرفتند درآمد حاصل از فروش زینت آلات و جواهرات و نغایس مسلمین از قبور ائمه سنی و شیعه عراق را صرف تاسیس یک دارالفنون اسلامی در آن خطه کنند. شیخ الاسلام عثمانی هم فتوی داد که این موسسه در بغداد ساخته شود، ولی این ایده نیز بنا به دلایلی چون درگیری عثمانی در جنگ بین‌الملل ناکام ماند و نخستین خشت بنای دارالفنون اسلامی روز اول محرم ۱۳۳۲ ق مطابق ۳۰ نوامبر ۱۹۱۴ م در مدینه منوره به نام خلیفه سلطان محمدخان پنجم، امپراتور عثمانی گذاشته شد (نوبهار، شماره ۲۴ و ۲۵، سال دوم، ۲).

می‌توان پیش‌بینی کرد به محض اتمام مریضخانه و مدرسه، اغلب مریض‌ها و جوانان ایرانی برای معالجه و تحصیل به آنجا خواهند شتافت و یک لطمه مهم به این مرکز اسلامی وارد خواهد شد. وی تنها وسیله جلوگیری از آینده تاریک خراسان را پیروی و عملی کردن عقیده‌ای دانست که ۵ سال قبل به عرض عموم رسانیده بود و آن را تأسیس یک دارالفنون در باغ عنبر^۱ بیان کرد که شامل سه شعبه طبی، ادبی و فلاحتی می‌شد. امیر اعلم نوشت در صورتی که تولید و امنای آستانه عرایض وی را تصدیق می‌کنند و راضی نمی‌شوند اطفال مسلمانان در دامان بیگانگان تربیت شود، باغ عنبر را برای بنای دارالفنون رضوی اختصاص دهند و به هیئت مرکزی شیر و خورشید سرخ واگذار نمایند. وی به اقدامات عملی خود در این زمینه نیز اشاره کرد که نقشه بنا را با اسلوب جدید از فرنگستان خواسته و در صدد تهیه وجوه مخارج آن نیز بر آمده تا پس از عید اولین پایه دارالفنون را که محض تبرک، دارالفنون رضوی نامیده خواهد شد، گذاشته شود.

دکتر امیر اعلم متذکر شده بود که اگر تولید و امنای آستانه باغ عنبر را واگذار نمایند و دارالعلم مذکور شکل بگیرد ممالک اسلامی همجوار شاگردان خود را به مدارس اروپا نخواهند فرستاد و مشهد مقدس مرکز حقیقی ترقیات اسلامی خواهد شد. وی پیشنهاد داده بود، اگر نظر امنای آستانه به دویست تومان اجاره سالیانه باغ عنبر باشد، هیئت مرکزی شیر و خورشید سرخ خراسان می‌تواند آن را بپردازد (مهر منیر، سال سوم، شماره ۲۸، ۱).

همفکری قایینی‌ها با دارالفنون رضوی

روزنامه مهر منیر سه روز پس از نامه امیر اعلم در ۷ جمادی‌الاولی ۱۳۴۲ مقاله‌ای درباره ضرورت تأسیس مدارس عالییه و تحصیل علوم و معارف به نگارش در آورد و تأکید کرد که چه بسا اشخاصی یافت می‌شدند که از هر جهت استعداد تحصیل علوم عالییه را داشتند، ولی وسایل آن فراهم نبود و اول بار تأسیس آن از زبان فردی خیرخواه سردار امیر اعلم خارج و در

۲- باغ عنبر از باغات بزرگ آستان قدس در انتهای کوچه سراب بود که پس از خیابان کشی، بخش غربی آن جزو خیابان امام فعلی شد و در بخش شرقی آن دبیرستان شاهرضا ساخته شد.

فضای خراسان طنین انداخته و مورد توجه ترقی خواهان قرار گرفت. مهر منیر در این زمینه دو نامه از شخصیت‌های منطقه قاینات منتشر کرد. نامه مصباح السلطنه^۱ وکیل دوره پنجم سیستان و نوشته حجه الاسلام حاج شیخ محمد هادی هادوی^۲ از علمای بیرجند خطاب به امیر اعلم را بیان کرد. محمد ولی خان اسدی مصباح الدیوان - مصباح السلطنه بیرجندی نایب الحکومه سابق قاینات که در این زمان نماینده قاینات در مجلس شورای ملی بود، نگاه مثبتی در این زمینه داشت. روزنامه مهر منیر پیشنهاد امیر اعلم راجع به واگذاری باغ عنبر برای ساختمان دارالفنون را قابل تقدیر دانست و محل ثابت برای هزینه و مصارف آن را نیز پیشنهاد کرد، زیرا چنین موسسه‌ای نمی‌توانست از بودجه مملکتی و اعانه اداره شود و محل ثابت را عشر حق التولیه موقوفات آستانه بیان کرد که همه ساله در معرض حراج گذاشته می‌شد (مهر منیر، سال سوم، شماره ۳۲، ۲).

حاج شیخ هادی هادوی از مهم‌ترین علمای موافق با پیشنهاد دارالفنون رضوی بود. وی از روحانیون بزرگ بیرجند بود که در نجف نزد شیخ مرتضی انصاری تحصیل کرده و پس از انقلاب مشروطه ریاست انجمن ولایتی حقانیت بیرجند را بر عهده گرفته بود. وی نزدیک به دو دهه فعالیت مدرسه شوکتیه و اثرات مثبت آن را از نزدیک مشاهده کرده بود (راشد محصل، ۶۵-۸۸). او ضمن تأیید پیشنهاد امیر اعلم نامه‌ای در ۷ جمادی‌الاولی ۱۳۴۲ درباره ضرورت تأسیس دارالفنون رضوی به امیر اعلم نوشت:

پیشنهاد جنابعالی راجع به دارالفنون رضوی پس از خرابی بصره و خفقان پرچم دیانت و

۱- محمد ولی خان اسدی مصباح الدیوان - مصباح السلطنه بیرجندی فرزند میرزا علی اکبر متولد ۱۲۵۷ ش نایب الحکومه قاینات بود و سپس سه دوره نماینده قاینات در مجلس شورای ملی شد و از اواخر اسفند ۱۳۰۴ به نیابت تولیت آستان قدس منصوب و از فروردین ۱۳۰۵ به کار آستان قدس پرداخت. اسدی اولین نایب التولیه رضا شاه بود که به امر وی منصوب شد. سه کار عمده وی خرید مقداری از املاک سرخس از عواید موقوفات و فروش موقوفات ولایات، تاسیس بیمارستان شاه رضا و ایجاد قنات گناباد بود. وی تا رمضان ۱۳۱۴ نایب التولیه بود و پس از ماجرای مسجد گوهرشاد محاکمه و اعدام شد. (احتشام کاویانیان، ۴۳۹).

۲- حاج شیخ محمد هادی هادوی فرزند حاج ملاحسین بیرجندی متولد بیرجند بود. وی در نجف و کربلا نزد شیخ مرتضی انصاری، محمد تقی شیرازی و میرزا حسن شیرازی تحصیل کرد. در سال ۱۳۱۶ ق به دعوت امیرمحمد اسماعیل خان، شوکت الملک اول به بیرجند آمد. در یازدهم اردیبهشت ۱۳۲۶ ش درگذشت (آیتی، ۳۴۴).

دعوت دعوات مسیحی در اطراف قبه رضویه مرا مشغول به خود کرده و پیشنهادی با پنج شرط تقدیم می‌شود: ۱. خلوص نیت و مقصد اصلی نشر دعوت اسلام باشد نه بوالهوسی و خود نمایی. ۲. شاه از بیست هزار تومانی که بابت متولی‌گری موقوفات می‌گیرند صرف نظر کرده و به مصارف دارالفنون رضوی تخصیص دهد. ۳. امثال ذکاء الملک^۱ که به تفوق دانش، حسن عقیده و طول زمان تجربه امتحان کامل داده از طرف تولیت آستانه به مدیریت دارالفنون رضوی منصوب شود. ۴. یکی از علما طراز اول مشهد که آشنا به مقتضای وقفی و بصیر به فلسفه اسلام باشد بر مدرسه نظارت کند. ۵. پس از تعیین تشکیلات دارالفنون رضوی، دولت فرستادن شاگردان به اروپا را متوقف کند و اگر لازم باشد برای این منظور معلمانی از اروپا استخدام شوند (مهر منیر، سال سوم، شماره ۳۲، ۳).

در پیشنهادها هادوی تلفیقی از تجربه دارالفنون دوران امیرکبیر و نظارت علما بر مشروطه به چشم می‌خورد که این بار باید در مشهد برای اداره یک دارالفنون با تکیه بر درآمد آستانه اجرا می‌شد.

حمایت آیت الله خالصی از ایده دارالفنون رضوی

آیت الله شیخ مهدی کاظمی خالصی^۱، از علمای برجسته شیعه در عتبات عالیات که در ۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۴۲ ق/ ۱۹۲۳ م به مشهد وارد شد، از دیگر حامیان امیر اعلم در طرح دارالفنون رضوی بود. وی از مخالفان سرسخت بریتانیا بود و در جریان جنگ جهانی اول نیز علیه آنان

۱- محمد علی فروغی فرزند محمد حسین ذکاء الملک متولد ۱۲۵۴ ش در تهران بود که وارد مدرسه دارالفنون شد و در فن پزشکی و داروسازی تحصیل کرد و در ۱۳۱۲ ق به استخدام وزارت انطباعات درآمد و با هفته نامه تربیت همکاری کرد. به ترجمه کتاب‌هایی چون ثروت ملل و تاریخ تمدن مشرق زمین پرداخت و پس از درگذشت پدرش لقب و شغل وی را گرفت و در ۱۲۸۹ ش رئیس مجلس شورای ملی و سپس معلم احمدشاه شد. در ۱۲۹۸ ق عضو هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس صلح پاریس بود و دو سال در اروپا تحصیل کرد و از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۴ ش چند بار وزیر خارجه و وزیر مالیه شد. فروغی در سال ۱۳۰۶ ش رئیس هیئت نمایندگی ایران در جامعه ملل بود که به اتفاق آراء نمایندگان جهان به ریاست جامعه ملل برگزیده شد (عاقلی، ۱۸-۲۲).

۲- شیخ مهدی خالصی فرزند شیخ محمد حسین کاظمی در ۱۲۶۷ ق در کاظمین متولد شد و در ۱۲ رمضان ۱۳۴۶ در مشهد از دنیا رفت و در دارالسیاده حرم مطهر امام رضا دفن شد (دباغ، ۱۰۱).

فتوای جهاد صادر کرد. وی کتابی به نام «السیف البتار فی جهاد الکفار»، (شمشیر برآن در پیکار با کافران) برای تشویق مردم در برابر بریتانیا نوشت و در سال ۱۳۳۲ ق/ ۱۹۱۴ م در جنگ جنوب عراق حضوری فعال داشت. او پس از اشغال عراق توسط بریتانیا، به مخالفت با ملک فیصل حاکم دست نشانده بریتانیا برخاست. در پی آن در ۱۳ ذی قعدة ۱۳۴۱ ق/ ۱۹۲۲ م به عدن و سپس ایران تبعید شد (دباغ، ۱۰۱). وی از بوشهر به قم و سپس مشهد مسافرت و در منزل شاهزاده حسن خان اقامت کرد (مهر منیر، سال سوم، شماره ۳۰، ۱). دکتر امیر علم خان از این فرصت برای کسب مشروعیت ایده خود بهره گرفت و در ۹ جمادی الثانی ۱۳۴۲ ق طی نامه ای درباره دارالفنون رضوی به خالصی نوشت: «مفتخرم که اطلاعات اخبار سرحدات دینی و عقاید اسلامی را به حضور برسانم تا مستحضر شوید که چگونه معاندان اسلام از حدود خود تجاوز و به مسلمان‌های عالم و به خصوص ایران تهاجم کرده‌اند. به طوری که در هر جای عالم می‌بینیم ملت اسلام بدون سرپرست و بی صاحب مانده و دشمنان دین پیوسته به وسیله مدارس، مجالس، کنفرانس‌ها، تئاترها، مریضخانه‌ها و مطبوعات مثل باز مسلمانان را شکار و از راه باز می‌دارند. زیارت امام رضا (ع) دارالشفای حقیقی است، ولی اهالی مشهد با این همه مکارم اخلاق مبتلا به سوء عواقب شدند و مسلمانان به خاطر بی‌علمی و احتیاج اطفال خود را به مدارس اجانب می‌گذارند و برنامه آنان را یاد می‌گیرند و فوج فوج داخل عقاید و ادیان آنان می‌گردند. دامنه تبلیغ و تعلیمات گمراهی به مشهد هم کشیده شده و آن امراض مزمن چون طاعون به اهالی مشهد سرایت کرد و اگر غافل بنشینیم خیانتی بزرگ به دیانت کرده‌ایم، لذا در مقام مجاهدت برآمده تا مرض مسری مسلمانان را از راه خودش جلوگیری نمایم و با همان تیرهای خودشان نشانه زند و تصمیم گرفته که در کنار بقعه مبارکه و معبد میلیون‌ها مسلمان مدرسه‌ای تأسیس نمایم که برای تمام احتیاجات مسلمانان کافی باشد و آن مدرسه را به نام امام رضا (ع) مدرسه دارالفنون رضوی نام‌گذاری کرده است» (الکمال، سال سوم، شماره ۱۰/۶-۹).

خالصی نیز روز ۱۰ جمادی الثانی ۱۳۴۲ طی نامه ای به دکتر امیر اعلم پاسخ داد و نوشت: «بزرگ‌ترین راه‌هایی که امروز می‌توان با آن مجاهدت کرد تأسیس مدارس اسلامی است تا

مسلمانان با آن احتیاجات خود را رفع و مستغنی از ورود اجانب باشند. پیوسته در این فکر بودم تا آن که به مشهد مقدس آمدم و دیدم سردار امیر اعلم قبلاً با من در این عقیده متحد بوده و در صدد تأسیس مدرسه دارالفنون رضوی برآمده است. خدا را شکر نمودم و امیدوارم برادران دینی در این امر مشروع مساعدت کنند» (همان، ۱۴/۶).

آیت الله خالصی از بین علمای مقیم مشهد علاقمندی بیشتری به این موضوع نشان داد و در ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۴۲ ق نامه‌ای راجع به دارالفنون رضوی نوشت و متذکر شد: «روزگار، عمر دوباره به انسان نمی‌دهد که یک عمر به تجربه صرف کند و یک عمر به عمل. روزگار به سرعت برق می‌گذرد و در طی حرکت هر بدی و خوبی را به انسان نمایش می‌دهد تا هر که هوشیار باشد درس عبرت بگیرد و به اصلاح خود پردازد. هیچ قومی در وسط مملکتش دچار حملات دشمن نشد مگر آن که ذلیل گشت. باید از حومه اسلام دفاع کرد و اینک از سردار اسلامی امیر اعلم موعظه بگیرید که این پرفسور مسلمان حقیقی، وطن پرست، دین شعار چگونه میدان جنگ و طریق مجاهدت را یافته و درصدد چاره‌جوئی برآمده است. همان‌طور که وی در تشخیص امراض جسمانی متخصص است در تشخیص امراض روحی ایرانی هم مطالعه کرده و کانون امراض ملیت برانداز را جهل عمومی و نداشتن مدارس کافی دانسته است که از راه احتیاج اطفال مسلمان فوج فوج به مدارس خارج گسیل می‌شوند. اکنون میدان جنگ را معلوم ساخته که مدارس دارالفنون است و درصدد تأسیس مدرسه به نام مقدس دارالفنون رضوی برآمده است» (همان، ۳/۶).

مکاتبات دکتر امیر اعلم با رئیس‌الوزراء درباره دارالفنون رضوی

دکتر امیر علم پس از جلب نظر علما و تأیید جنبه نظری آن با مقامات حکومتی نیز وارد مکاتبه شد و پیشنهاد خود را به صورت تلگرافی در ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۳۴۲ ق برای ریاست‌الوزراء (رضا خان) فرستاد و نوشت: «برای این‌که در دوره زمامداری شما بزرگ‌ترین یادگارهای تاریخی در خراسان گذاشته شود و مشهد مقدس مرکز ترقیات عالم اسلام گردد، چندی است مصمم شده‌ام دارالفنونی دارای شعباتی طبی، دارو سازی، فلاحتی و ادبی به وسیله اعاناتی که

شیر و خورشید سرخ می‌تواند برای این مقصود از افراد مملکت تحصیل نماید، تأسیس کنم. این دارالفنون که دارالفنون رضوی نامیده خواهد شد در شعبه ادبی مانند الازهر مصر علوم دینی و فقه تدریس و مبلغین اسلامی پرورش خواهد یافت و برنامه تحصیل شعبات دیگر به گونه‌ای در نظر گرفته شده که فارغ‌التحصیلان محتاج به مدارس عالی نشوند و برای محل آن باغ عنبر متعلق به آستانه مقدسه که دارای سی و پنج هزار ذرع زمین و قنات مخصوص در وسط شهر واقع شده در نظر گرفته‌ام. این باغ تاکنون در سال ۲۰۰-۳۰۰ تومان اجاره داده می‌شد و ممکن است شیر و خورشید همان مبلغ را پردازد و برای مخارج بنایی و اثاثیه ۲۰۰۰۰۰ تومان پیش بینی شده و این خدمت بزرگ که شاید از محالات به نظر آید، با توجه‌های حضرت ثامن الائمه (ع) و مراحم حضرت اشرف در ظرف اندک مدتی شروع خواهد شد و به تدریج مشهد مقدس مرکز ترقیات عالم اسلامی خواهد شد. این فکر را عموم اهالی و علماء اعلام نیز استقبال کرده‌اند و جراید ملی به طور مشروح نوشته و تایید کرده‌اند و یقین است شما نیز موضوع دارالفنون و محل آن را تصویب خواهید کرد» (همان، ۱۵/۶).

رئیس‌الوزراء در تلگراف نمره ۵۵۸ مورخ ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۳۴۲ در جواب، تأسیس دارالفنون را از بهترین نیاتی دانست که می‌تواند قلب وی را خشنود کند و نوشت آینده ایران باید در سایه علم و عمل از مشکلاتی که پیشینیان تدارک دیده‌اند رهایی یابد و با ملل دیگر برابری کند. وی اظهار خوشحالی کرد که امیر اعلم در آستانه قدس رضوی به این فکر افتاده و اظهار امیدواری کرد با جدیت و کوششی که شایسته اجرای این فرمان است زودتر وارد مراحل عملی شود و نتیجه آن به طوری که انتظار می‌رود ظاهر گردد (همان، ۱۶/۶).

فضل الله بدایع نگار^۱ از فقها و علمای مشهد که مدیر مجله اسلامی *الکمال* و مدیر کتابخانه آستان قدس و از طرفداران اتحاد جهان اسلام بود نیز از مهم‌ترین موافقان این ایده بود و در

۱- فضل الله آل داوود فرزند شیخ مولا داوود خراسانی در سال ۱۲۸۸ ق در مشهد متولد و از اوان جوانی وارد تشکیلات آستان قدس و به لقب بدایع نگاری مفتخر شد. مدتی معاون اداره فرهنگ و اوقاف و فوائد عامه خراسان و در سال ۱۳۰۰ رئیس آن اداره شد. معلم ادبیات در مدرسه خیریه سعادت، رحیمیه و مدتی نیز مدیر دبستان رحیمیه و در سال ۱۳۳۴ ق معاون

سال ۱۳۴۲ ق برخی از مکاتبات مربوط به دارالفنون رضوی را در مجله *الکمال* چاپ کرد. وی در ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۴۲ خطاب به تولیت آستان قدس نوشت: «ما پس از این مدارک شرعی و اسناد دولتی که بر لزوم مدرسه دارالفنون رضوی انتشار یافته است، از تولیت راجع به محل مدرسه انتظار داریم که هر چه سریع‌تر وسایل اجاره باغ عنبر را فراهم نماید که از طرف آستان قدس تعویقی در پیشرفت آن رخ ندهد و به خاطر تقدس محل مدرسه به نام امام رضا (ع) از تمام مستخدمین و معلمین، ناظمین و متعلمین آن مدرسه قبل از ورود به خدمت عهد و پیمان گرفته شود که با پاکی نیت و خلوص در پیروزی اسلام و حفظ شریعت وارد شوند» (همان، ۱۶/۶).

بنابراین چنان که مشاهده شد، نوعی اجماع عمومی نزد اغلب دست‌اندرکاران وقت در مشهد و حتی پایتخت بر سر تأسیس دارالفنون رضوی وجود داشته، اما متأسفانه این ایده هیچ‌گاه جامه عمل به خود نپوشید، زیرا دکتر امیر اعلم به عنوان نماینده مجلس شورای ملی مشهد انتخاب و عازم تهران گردید و نتوانست این ایده را عملی کند. ظاهراً پس از وی نیز در مشهد تلاش چندانی برای پی‌گیری این طرح صورت نگرفت.

با وجود واکنش‌هایی که در برابر فعالیت‌های مسیون امریکایی بروز کرد، زمین‌های وسیعی در محله پاچنار مشهد در اختیار مسیون امریکایی قرار گرفت و بنای جدید با کمک مالی انجمن مذهبی ایالت آیوا آمریکا ساخته شد و مریضخانه به محل جدید بیمارستان انتقال یافت و سپس به نام بیمارستان مسیحی - آمریکائی نام گرفت که یکی از بیمارستان‌های مهم مشهد در دوره پهلوی بود. ایده دارالفنون رضوی نیز اگرچه با وجود همه حمایت‌ها ناتمام ماند، تأثیری مثبت بر طرح‌های بزرگ علمی در آستان قدس گذاشت. آستان قدس که از دوره رضا شاه و نیابت تولیت محمد ولی اسدی وضعیت اقتصادی بهتری یافت، در بخش‌های آموزشی و پزشکی گام‌های اساسی برداشت. ابتدا دبستان و سپس دبیرستان شاهرضا تأسیس شد که از

مدرسه رضوی و در سال ۱۳۴۲ ق مدتی مدیر کتابخانه آستان قدس شد. وی در سن ۵۵ سالگی و در ۲۲ ذی‌قعدة ۱۳۴۳ ق/۲۴

خرداد ۱۳۰۴ ش درگذشت و در دارالضیافه آستان قدس به خاک سپرده شد (نجف زاده، ۲)

مدارس مهم مشهد محسوب می‌شد و برای استفاده از علوم جدید از معلمان خارجی نیز استفاده شد و توانست کمبود مراکز آموزشی مشهد را تا حدی جبران کند. سپس بیمارستان شاهرضا (امام رضا (ع) کنونی) آغاز به کار کرد که در نوع خود مهم‌ترین بیمارستان در ایران محسوب می‌شد و آن را می‌توان واکنشی در برابر فعالیت پزشکی غیر مسلمانان نظیر آمریکایی‌ها، انگلیسی‌ها و روس‌ها و نیازهای پزشکی مشهد دانست.

کتابشناسی

- آیتی، شیخ محمد حسین، *بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان*، ج ۲، دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۷۲.
- احتشام کاویانان، حاجی محمد، *شمس الشمووس یا انیس النفوس*، مشهد، ۱۳۵۴.
- احمدی، علی، شیخ محمد خالصی زاده: *روحانیت در مصاف با انگلیس*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.
- الدر، جان، *تاریخ میسیون آمریکایی در ایران*، ترجمه سهیل آذری، نورجهان، تهران، ۱۳۳۳.
- برومند، صفورا، *پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغات کلیسای C.M.S. در دوره قاجاریه*، موسسه مطالعات تاریخ معاصر، تهران، ۱۳۸۰.
- بهبودی هدایت الله، *روزشمار تاریخ معاصر ایران*، ج ۳، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، ۱۳۸۹.
- پالمر، رابرت روزول، *تاریخ جهان نو*، ترجمه ابوالقاسم طاهری، ج ۱، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳.
- تشیید، علی اکبر، *ارمغان جاوید*، مجله تاریخ اسلام، بی جا، ۱۳۴۰.
- دباغ، اسلام، *رسائل سیاسی آیت الله شیخ محمد خالصی زاده*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۶.
- راشد محصل، محمد رضا، *جستاری در تاریخ فرهنگ و آموزش نوین بیرجند*، رزقی، بیرجند، ۱۳۸۲.
- روستا، محسن، *تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر پهلوی)*، به روایت اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ۱۳۸۴.
- شریعت تربقان، شمس، *زندگینامه دکتر امیراعلم*، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ۱۳۸۵.

طاهر احمدی، محمود، «نخستین مدارس مسیون‌های آمریکایی در ایران»، گنجینه اسناد، س ۳، ش ۴، ۱۳۷۲، ص ۲۸-۲۰.

عاقلی، باقر، ذکاءالملک فروغی و شهریور ۱۳۲۰، چ ۲، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۷۰.
عظیم زاده تهرانی، طاهره (۱۳۸۰) «نگاهی به تکاپوهای تبلیغ‌گران آمریکایی در مشهد»، فرهنگ خراسان، سال ۱، ش ۳ و ۴، ص ۲۳-۲۱۵.

بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، ج ۴، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۴۷.
مجد، محمد قلی، قحطی بزرگ (۱۲۹۱-۱۲۹۶ ش/۱۹۱۹-۱۹۱۷ م)، ترجمه محمد کریمی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، ۱۳۸۶.

مدرس رضوی، محمد تقی و دیگران، مشهد در آغاز قرن چهاردهم خورشیدی مشهور به گزارش مکتب شاهپوری، تصحیح و توضیح مهدی سیدی، آهنگ قلم، مشهد، ۱۳۸۶.
میرزا صالح، غلامحسین (مترجم)، فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری‌های انگلیس، نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۷.

نجف زاده، علی، «فضل الله بدایع نگار، پیشگام در وقف مطبوعات»، دفتر اسناد، زیر چاپ.

روزنامه‌ها

الکمال شماره ۶، سال سوم، ۱۳۴۲ ق.

بهار، شماره ۱۳ و ۲۸، سال دوم، ۱۳۳۸ ق/۱۲۹۸ ش.

فکر آزاد، شماره ۴۶ و ۵۳ و ۵۸، سال اول، ۱۳۴۱ ق/۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ ش.

مهر منیر، شماره ۲۰ و ۲۲ و ۲۸، ۱۳۴۲ ق.

نوبهار، شماره ۲۴ و ۲۵، سال دوم، ۱۳۳۲ ق.

اسناد

مرکز اسناد مجلس، سند شماره ۰۴۰۳۴۱۷۰۳۲۶۱۰۰۰۱